



مقاله پژوهشی بررسی گونه های تمثیل کوتاه در اشعار جلال طیب شیرازی

شیرین کبیری^۱، مهرداد چترایی^۲، مریم محمودی^۳

چکیده

وجود صورخیال برجسته و زیبا در اشعار شاعران نشان دهنده قدرت تخیل آنان است و تمثیل یکی از عناصر تصویرساز شعر است. تمثیل از مباحث مهمی است که هم در بلاغت قدیم و هم در بلاغت جدید به آن پرداخته شده است؛ در کتب قدیم از تمثیل در مباحث تشبیه مرکب و استعاره تمثیلیه سخن رفته است و در نقد جدید تمثیل زیرمجموعه مبحث تصویر و خیال است. از نظر ساختار، تمثیلهای فارسی به دو بخش تمثیل توصیفی (تمثیل کوتاه) و تمثیل روایی (تمثیل گسترده) تقسیم می شود؛ تمثیل روایی شامل حکایات انسانی و حیوانی، رمزی، فابل، پارابل و... است. تمثیل توصیفی (کوتاه) معمولاً از یک یا چند جمله فراتر نمی رود و مهمترین انواع آن عبارتند از: تشبیه تمثیلی، استعاره تمثیلیه، ارسال المثل و اسلوب معادله است. در این مقاله برای پاسخ به سؤالات تحقیق ضمن بررسی انواع تمثیل توصیفی گونه های مختلف آن را در شعر جلال طیب شیرازی مورد کنکاش قرار گرفته است. جلال طیب شیرازی، طیب و شاعری است که در فاصله زمانی بین روزگار زندگانی سعدی شیرازی و عصر حیات حافظ شیرازی می زیسته و انواع تمثیل کوتاه در شعر او نمود بارزی دارد. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی نوشته شده است و گردآوری داده ها به شیوه کتابخانه ای است. هرچند مقالات متعددی درباره تمثیل و ساختار و انواع آن در ادب فارسی چاپ شده است، اما تاکنون با این اهداف مقاله ای درباره گونه های تمثیل کوتاه در اشعار جلال طیب منتشر نشده است.

کلیدواژه ها: تمثیل کوتاه، استعاره تمثیلی، ارسال المثل، اسلوب معادله، دیوان جلال طیب شیرازی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۳

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، ایران adabi_j@yahoo.com

۲- استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول) M-chatraei@iaun.ac.ir

۳- دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، ایران M.Mahmoodi75@yahoo.com

لطفاً به این مقاله استناد کنید: کبیری، شیرین، چترایی، مهرداد، محمودی، مریم، (۱۳۹۹) بررسی گونه های تمثیل کوتاه در اشعار جلال طیب شیرازی. فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر، ۴۶(۴): ۴۳-۶۳.

مقدمه

در این پژوهش، نمونه های مختلف تمثیل در دیوان جلال طیب شیرازی جست و جو می شود تا جایگاه جلال، که در فاصله زمانی بین روزگار زندگانی سعدی شیرازی و عصر حیات حافظ شیرازی می زیسته و از سعدی تأثیر بسیار پذیرفته و بر حافظ تأثیر زیادی گذاشته است معلوم و مشخص گردد. از او یک دیوان شعر، دو مثنوی و رساله ای در باب عروض باقی مانده است.

بررسی موضوعی فنون شاعری و شیوه های سخن پردازی شاعران نامور، میزان خلاقیت و نیز گرایش آنان را به این فنون بهتر می نمایاند و راه را بر تحقیقات بعدی پژوهشگران در حوزه های سبک شناسی، ادبیات، زبان شناسی، نقد اجتماعی و... هموار می کند. جلال طیب از شاعران تأثیرگذار در ادب فارسی است که چنان که شایسته مقام اوست شناخته شده نیست و پژوهشهایی از این دست کمتر درباره شعر او انجام شده است. در این مقاله گونه های تمثیل مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. بیان مسئله

ما در این مقاله برآنیم که گونه های مختلف تمثیل کوتاه را در اشعار جلال طیب شیرازی جست و جو کنیم. جلال در آراستن سخن خود از تمثیلهای کوتاه سود برده و با کمک تمثیل درجه اعتبار و ارزش اشعارش را افزون کرده و آن را خواندنی تر کرده است. تاکید بر شناخت ویژگی های شعری این شاعر از آن روست که جلال طیب یکی از کسانی است که بر شعر حافظ تأثیر بسیار گذاشته و همعصر و همشهری او بوده است. وی یکی از حلقه های شکل گیری ادبیات قرن هشتم در حوزه ادبی فارسی است، به همین دلیل بررسی اشعار وی اهمیت فراوانی دارد و در شناخت دیگر ویژگی های زبانی این عصر و آشنایی با شاعران معاصر او راه گشاست.

۲-۱ پیشینه پژوهش

از قرون اولیه بعد از هجرت کتابهای متعددی در زمینه علوم بلاغی تألیف شده و در آنها به صورت مختصر یا مفصل موضوع تمثیل بررسی گردیده است. اسرار البلاغه و تعریفات عبدالقاهر جرجانی (ق پنجم)، ترجمان البلاغه رادویانی (ق پنجم)، مفتاح العلوم سکاکی (۵۵۵-۶۲۶ق) از آن جمله اند. البته در بیشتر کتابهای گذشتگان تقسیم بندی گونه های تمثیل به طور دقیق انجام نشده است معمولاً تمثیل در ذیل تشبیه یا مجاز بررسی شده است. در سال های اخیر هم کتابهایی در زمینه بلاغت به چاپ رسیده است که از آن جمله اند: بیان (۱۳۷۰) نوشته سیروس شمیسا و بلاغت تصویر (۱۳۸۷) از

محمود فتوحی رودمعجنی؛ در این کتابها سعی شده است اصطلاحات ادبی و بیانی به صورت جزئی‌تر و دقیق‌تر تعریف شود. همچنین در زمینه تمثیل و تفکیک انواع آن از یکدیگر و انواع تشبیه و مجاز و استعاره و کنایه، مقالات متعددی نوشته شده است، مانند: «تمثیل، ماهیت، اقسام، کارکرد» از محمود فتوحی «مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی» (۱۳۸۴)؛ «تشبیه تمثیل و استعاره تمثیلی در کتب بلاغی» از احمد رضایی جمکرانی «فصلنامه ادب پژوهی» (۱۳۹۴)؛ «معرفی انواع تمثیل فشرده و جستجوی ردپای آن در شعر نخستین شاعران زبان فارسی» از احترام رضایی، «مجله علمی شعر پژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز» (۱۳۹۸) و...

۳.۱. اهداف

۱. بررسی میزان استفاده جلال طیب از انواع تمثیل کوتاه در شاعری

۲. بررسی میزان استفاده جلال از تمثیلهای رایج در عصر جلال

۴.۱. ضرورت های خاص انجام تحقیق

۱. اهمیت و اعتبار اشعار جلال طیب در حل برخی از مشکلات ادبی این عصر.

۲. آشنایی اندک پژوهشگران و دانشجویان با جایگاه ادبی این شاعر.

۳. کمک به روشن شدن جایگاه شاعری جلال طیب در ادب فارسی و به خصوص در قرن هشتم

۵.۱. سوالات تحقیق

۱. میزان توجه جلال طیب و استفاده وی از انواع تمثیل کوتاه در سخنوری و شاعری تا چه اندازه است؟

۲. میزان استفاده جلال از تمثیلهای رایج در قرن هشتم چه اندازه است؟

۳. چه میزان از تمثیلهای موجود در دیوان جلال طیب ساخته خود اوست؟

۶.۱. روش تحقیق

این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی نوشته شده است و گردآوری داده ها به شیوه کتابخانه ای است.

۲. گونه های تمثیل کوتاه در شعر جلال طیب^۱

تمثیل زائیده تصویرگرایی (imagism) و تصویرگرایی زائیده تخیل قوی یک شاعر یا نویسنده است. وجود صورخیال برجسته در اشعار شاعران نمایشگر قدرت تخیل آنان در هر دوره است. در تعریف تمثیل بین بلاغیون قدیم اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد^۲؛ گروهی آن را از جمله صنایع بدیعی دانسته‌اند و عده‌ای دیگر آن را در ضمن علم بیان تعریف کرده‌اند.^۳ این اختلاف نظر تا زمان حاضر هم ادامه یافته و مقالات متعددی در این باره نوشته شده است که ما را از ورود به این بحث بی نیاز می‌کند.^۴

انواع تمثیل از نظر ساختار به دو بخش کلی تقسیم می‌شود: توصیفی (تمثیل کوتاه) و تمثیل روایی (تمثیل گسترده). تمثیل روایی شامل حکایات انسانی و حیوانی، رمزی، فابل، پارابل و... است. تمثیل توصیفی (کوتاه) معمولاً از یک یا چند جمله فراتر نمی‌رود و مهمترین انواع آن عبارتند از: تشبیه تمثیلی، استعاره تمثیلی، ارسال المثل و اسلوب معادله است.

از آنجا که موضوع این مقاله تمثیلهای کوتاه در دیوان جلال است از بررسی تمثیل روایی (گسترده) در این دیوان خودداری می‌کنیم.^۵

تمثیل کوتاه، تمثیلی است که از نظر تعداد جملات و حجم از یک یا چند جمله فراتر نمی‌رود و دارای انواعی چون تشبیه تمثیلی، استعاره تمثیلی، ارسال مثل و اسلوب معادله است. در این مقاله این چهار گونه مهم تمثیل توصیفی (کوتاه) در اشعار جلال طیب کاویده شده است. بدین صورت که ابتدا توضیح مختصری درباره هر یک از انواع تمثیل کوتاه داده شده و سپس نمونه‌هایی از اشعار جلال طیب به عنوان شاهد آورده شده است.

۲.۱. تشبیه تمثیلی

درباره ویژگی های تشبیه تمثیلی و ارکان آن، در کتابهای بلاغی و مقالات معاصران بسیار بحث شده است. علاقه‌مندان به مقالاتی که پیشتر نام بردیم مراجعه نمایند. رضایی (۱۳۹۸) ضمن بررسی ویژگی های ارکان تشبیه را در تشبیه تمثیلی در آثار متقدمان و معاصران، این ویژگی ها را به شرح زیر خلاصه کرده است:

«الف: در تشبیه تمثیلی، مشبه، امری معقول و معنوی، مرکب و انتزاعی است. در واقع مشبه، امری صرفاً ادعایی است که گوینده در پی اثبات آن از مشبه به کمک می‌گیرد.

ب: مشبه‌به، برعکس مشبه امری مسلم و قطعی، مرکب و محسوس است. گوینده به کمک مشبه‌به، ادعای خود را در مورد مشبه، توضیح می‌دهد و اثبات می‌کند و این همان هدف تشبیه تمثیلی یعنی تبیین و توضیح امری مبهم است.

ج: وجه شبه، در تمثیل، همچون تشبیه مرکب از امور متعددی منتزع شده است با این تفاوت که وجه شبه در تشبیه مرکب دارای قرینه سازی است و می‌توان اجزا و عناصر آن را برشمرد، حال آنکه در تشبیه تمثیلی وجه شبه مرکب از مجموع اجزاء جدایی ناپذیر پدید آمده است و درک آن نیاز به تأویل دارد. (همان: ۱۰۷)

لازم به توضیح است که وجه شبه مرکب، هنری ترین وجه شبه است «و از مشبه‌به مرکب اخذ می‌شود. هیئت حاصله (ایماژ، تصویر، تابلو) از امور متعدد است و به اصطلاح منتزع از چند چیز است؛ یعنی تابلو و تصویری است که از مجموع جزئیات گوناگون حاصل می‌شود.» (شمیسا ۱۳۸۶: ۱۰۹)

د: ادات تشبیه در تشبیه تمثیلی اغلب (و نه همیشه) مرکب است مانند: «بدان ماند که» «راست ماند بدان که»، «چنانکه» و ... شمیسا معتقد است ادات تشبیه مرکب می‌تواند محذوف باشد و در تأویل بیاید اما رضایی جمکرانی ادات تشبیه را عامل نشاندار در تشبیه تمثیلی می‌داند و می‌نویسد «ادات تشبیه مرکب، عامل مهمی در تشخیص تشبیه تمثیل هستند ادات یا نشاندارهای مذکور مبین آنند که خواننده با تشبیه تمثیل روبه‌روست نه با تمثیل صرف یعنی در تمثیل و اسلوب معادله چنین نشاندارهایی دیده نمی‌شود» (رضایی، ۱۳۹۸: ۱۰۷)

۲. ۱. ۱. نمونه های تشبیه تمثیل در شعر جلال طیب

مرغ چون لرزد در چنگل باز از غم جان باز دل در سر زلف تو چنان می‌لرزد
(طیب شیرازی، خطی: ۷۰)

مشبه: دل عاشق که در سر زلف یار گرفتار و مضطرب است (معقول و مرکب)

مشبه‌به: پرنده ای که در چنگال باز گرفتار است (محسوس و مرکب)

وجه شبه: اضطراب و تلاش مایوسانه یک موجود برای نجات خویش (مرکب از امور متعدد)

ادات تشبیه: چنان (= چون)

و یا:

حقیقت بین، طریقت رو، شریعت ورز باید شد که قند و روغن و گندم به جمعیت شود حلوا
(همان: گ ۷)

مشبه: انسان باید هم امور شریعت را رعایت کند، هم اصول طریقت را پاس دارد و هم حقیقت را
بیندتا به مقصد و مقصود برسد (معقول و مرکب)

ادات تشبیه: چنانکه

مشبه به: با جمع شدن قند و روغن و گندم و ترکیب این سه حلوی شیرین ساخته می شود. (محسوس
و مرکب)

وجه شبه: گرد هم آمدن و ترکیب چند چیز و تولید یک چیز جدید که مطلوب است (مرکب از امور
متعدد)

«گاه در تشبیه تمثیل ضمن حذف ادات تشبیه، ظاهر کلام از نظر صوری، ساختار تشبیه ندارد اما در
ژرف ساخت، تشبیه تمثیلی وجود دارد» (رضایی، ۱۳۹۸: ۱۱۰) به این دو بیت توجه کنید:

زلف تو چون دلم آشفته شد و دور فلک هر چه در سر بودت با سر تو آن آرد
یوسف مصری اگر دل ز زلیخا ببرد روزگارش به مکافات به زندان آرد
(طیب شیرازی، خطی: گ ۶۰)

مشبه: زلف تو دل مرا آشفته کرد اما خود گرفتار دور روزگار شد و پریشان گشت.

مشبه به: یوسف که دل زلیخا را ربود اما روزگار او را به زندان انداخت.

وجه شبه، دریافت مکافات عمل.

۲.۲. استعاره تمثیلیه

هرگاه در تشبیه تمثیلی، مشبه حذف شود و فقط مشبه به، بیان گردد به جای تشبیه تمثیلی، استعاره
تمثیلی خواهیم داشت از استعاره تمثیلی با عناوینی چون «تمثیل» و «مجاز مرکب بالاستعاره» نیز تعبیر
کرده اند. شمیسا معتقد است می توان میان این اصطلاحات تمایز نهاد: «بهتر است که اصطلاح استعاره
تمثیلی را در موردی به کار ببریم که استعاره مرکب جنبه ارسال المثل یا ضرب المثل داشته باشد یعنی

مأخوذ از تشبیه تمثیلی باشد، مثل مهتاب به گز پیمودن یا خورشید به گل اندودن که استعاره تمثیلی از عمل لغو و ناممکنند.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۰۱)

رضایی ویژگی‌های استعاره تمثیلیه را در مقایسه با تشبیه تمثیلی و کنایه این گونه خلاصه کرده است: «الف: در تشبیه تمثیلی مشبه، مشبه‌به و ادات تشبیه مرکب حضور دارند در حالی که در استعاره تمثیلیه چنین مختصاتی دیده نمی‌شود؛ در استعاره تمثیلیه تنها با مشبه‌به (مستعار منه) سر و کار داریم و آن هم بر اساس رابطه مشابهت یا لازمیت.

ب: در استعاره تمثیلیه به دلیل فقدان مشبه (مستعار له) بار معنایی بر دوش یک جمله است و مخاطب تعمق و دقت بیشتری لازم دارد.

ج: استعاره تمثیلیه از نظر گستردگی خرده متن است در حالیکه تشبیه تمثیل گاه به متنی بزرگ یا کلان متن وابسته است یعنی گاه مشبه‌به آن بسیار گسترده می‌شود و حتی به صورت حکایت و داستان نمود می‌یابد.

د: در استعاره تمثیلیه از نظر معنایی تاکید بر جمله‌ای است که در معنایی ثانوی به کار می‌رود. بنابراین بهترین راه شناخت استعاره تمثیلیه قرار دادن آن در کنار کنایه است. در کنایه جمله دارای دو معناست و هر دو معنا هم کاربردی هستند و با توجه به شرایط منظور گوینده معنای دوم است در استعاره تمثیلیه نیز با دو ساختار معنایی روبه‌رو هستیم اما معنای نخستین به هیچ وجه کاربردی نیست. مثلاً «در کنایه» در خانه فلانی باز است» در خانه می‌تواند باز باشد اما در استعاره تمثیلیه «گره بر آب زدن» حقیقتاً نمی‌توان بر آب گره زد. « (رضایی، ۱۳۹۸: ۱۱۰-۱۱۱)

۲.۱. نمونه‌های استعاره تمثیلیه در شعر جلال طبیب

عیب مستان مکن ای زاهد و مغرور مباش مستی جام می از مستی مغروری به
(طیب شیرازی، خطی: گ: ۴۳)

کسی که از جام غرور مست است (مستعار له) همانند کسی است که از جام شراب مست است (مستعار منه) و حتی از او مست‌تر است.

هر کس که کعبه جوید از خار برنگردد گر در رهش سراسر خار و خشک بر آید
(همان: گ: ۶۸)

شخصی که به دنبال مطلوب خویش است از سختی ها نمی گریزد (مستعار له) همانند کسی است که دیدار کعبه را می جوید و از خار مگیلان پروا ندارد. (مستعار منه)
 فارغ منشین زآه من سوخته خرمن کآیینۀ روشن شود از آه گرفته
 (همان: گ ۴۸)

از آه دل سوخته من آسوده مباش زیرا از آه من بر تو تأثیر می کند و روزگارت را تیره می نماید (مستعار له) همان طور که آه، چهره آینه را تیره و سیاه می کند (مستعار منه)
 نمونه های دیگر:

به خط از روی چون ماهش مشو دور که مه را در شب افزون تر بود نور
 (همان: گ ۱۲۰)

بی فایده گلی مجوی ز باغ جهان طیب زین باغ هر که چید گل از نوک خار چید
 (همان: گ ۵۳)

زلف چون زاغ تو مرغ دل ز ما خواهد ربود باز با مرغ دل ما زاغ بازی می کند
 (همان: گ ۵۷)

ز دست ما بشد روز جوانی به جای بادهام باد است در دست
 (همان: گ ۶۳)

شاعر معتقد است کسی که روزگار جوانی را از کف داده در حقیقت چیزی در دست ندارد (مستعار له) چنین فردی همانند کسی است که باد در دست دارد (مستعار منه)
 همان طور که در سطور قبل اشاره شد کنایه هایی که وجه نخستین آن کاربردی و قابل قبول نیست استعاره تمثیلیه است.

در بیت بالا، باد در دست بودن تمثیل کنایه ای است که وجه اول آن حقیقتاً شدنی نیست پس یک استعاره تمثیلیه است.

۲.۳. ارسال المثل (ضرب المثل)

مثل یکی از انواع تمثیل به حساب می‌آید. احمد بهمنیار تعریفی جامع و مانع برای مثل ارائه داده است: «مثل، جمله‌ای است مختصر و مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که به سبب روانی لفظ و روشنی معنی و لطف ترکیب شهرت عام یافته باشد و همگان آن را بدون تغییر و یا با اندک تغییر در محاوره به کار برند» (بهمنیار، ۱۳۲۸: ۵۲) بنابراین تعریف، جمله‌هایی که دارای مزایا و محسنات اختصار لفظ و روشنی معنی و لطف ترکیب باشند اما نامشهور باشند از مثل خارج می‌شوند، چه شهرت بین عامه از شروط اصلی مثل است. علامه همایی می‌نویسد: «تمثیل (ارسال مثل) آن است که عبارت نظم یا نثر را به جمله‌ای که مثل یا شبه مثل و متضمن مطلبی حکیمانه است بیارایند» (همایی، ۱۳۸۹: ۱۹۱) با این فرض می‌توان گفت شاعر بخشی از تمثیلهای را از زبان مردم و ضرب المثل‌های ایشان به وام می‌گیرد و برخی هم زاینده تخیل خود اوست. «در بیان تفاوت تشبیه تمثیلی با ارسال المثل باید گفت در ارسال المثل هم مشبیه معقول به مشبیه محسوس مرکب تشبیه می‌شود با این تفاوت که مشبیه به جنبه ضرب المثل دارد همچنین در ارسال المثل ادات تشبیه ذکر نمی‌شود. در ضمن در ارسال المثل هم قرینه سازی رعایت می‌شود و در کل می‌توان گفت ارسال المثل همان تشبیه تمثیل است منتها به صورت موجز و مختصر یعنی مشبیه طولانی داستانی ندارد» (رک: شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۱۳ تا ۱۱۴) ضرب المثل‌ها به خاطر ایجاز کلام، جامع و کامل بودن و سرعت انتقال معنی همیشه مورد توجه شعرا بوده است.

۲.۳.۱. نمونه‌های ارسال مثل در شعر جلال طیب

جلال طیب بیش از همه گونه‌های تمثیل به ارسال المثل توجه دارد؛ وی برخی از این ارسال المثل‌ها (ضرب المثلها) را از فرهنگ مردم اخذ کرده است و برخی هم ساخته قریحه شاعری اوست: نکو می‌کن نظر در آب چشمم / تو نیکی می‌کن و در آب افکن (طیب شیرازی، خطی: گ: ۵۱)

نکویی کردن و در آب انداختن از ضرب المثل‌های مشهور است. سعدی نیز این ضرب المثل را در شعر آورده است:

تو نیکی کن و در دجله انداز / که ایزد در بیابانت دهد باز

(سعدی، ۱۳۶۶: ۱۰۹۵)

«گویا اصل این ضرب المثل مأخوذ از حکایتی است که در قابوس نامه آمده است» (یوسفی، ۱۳۶۸: ۳۰)

نگیرم با سر زلفش قرار ار چه کند دزدی چو می دانم که دزد ناگرفته پادشا باشد
(طیب شیرازی، خطی: گ ۲۸)

که مأخوذ از ضرب المثل مشهور دزد نگرفته پادشاه است (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۰: ج ۲، ۸۰۴)
او در طرب و ناز که هر شهری و رسمی ما و غم و اندوه که هر مردی و کاری

«هر مردی را کاری، مثلی معروف است. رضی نیشابوری (ف ۵۹۸ق) گوید:
بگرفته به فضل و به سخا ملک و به دشمن مانده صَلف (= لاف) و کبر که هر مردی و کاری.

در سیاست نامه خواجه نظام الملک هم آمده است. نظیر لِكُلِّ عَمَلٍ رِجَالٌ» (نقل از: دهخدا، ۱۳۷۰: ج ۴، ص ۱۹۷۳)

همچنین است هر شهری و رسمی

شواهد دیگر:

قصه سنگ و سبو:

دل مسکین من آن سنبل مشکین بشکست قصه سنگدلان و دل ما سنگ و سبوست

(طیب شیرازی، خطی: گ ۶۴)

در کار خیر تأخیر جایز نیست (مضمون حکیمانه):

گر بر آنی که بیایی و مرا بینی باز کار خیر است و در این کار مکن تأخیری

(همان: گ ۱۰۱)

مردی است در هر پیرهن:

عشاق را کوچک مبین ای ماهروی نازنین مردی است در هر پیرهن مغزی است در هر استخوان

(همان: گ ۵۰)

هر آنچه برای خود نمی پسندی برای دیگران هم میسند (مضمون حکیمانه):
طیب را چو فکندی در این میان مگریز هر آنچه می‌نپسندی به خود به ما میسند
(همان: گ ۹۱)

طبیعت آدمی فزون خواهی است (مضمون حکیمانه):
ز آنچه می‌دیدم تو را خواهم که بینم بیش از این آدمی را در طبیعت میل در بیشی بود
(همان: گ ۶۹)

طبع آدمی از آب روان و گل و سبزه گشوده می شود:
در آب دیده‌ام عکس خط و رخسار خود می‌بین که از آب روان و سبزه و گل طبع بگشاید
(همان: گ ۱۲۲)

آب شور از آب باران شیرین می شود:
نکویی ز نزد بزرگان طلب که در قعر دریاست در خوشاب
کسی گردی از گردی آن کسی که شیرین شود آب شور از سحاب
(همان: گ ۵۵)

عشق‌بازی کار بیکاران است:
تا شدم عاشق تو فارغم از کار جهان عشق‌بازی به جهان پیشه بیکاران است
(همان: گ ۴۷)

این مضمون را شعرای دیگر هم به کار برده اند: شاه نعمت الله ولی می گوید:
عشق بازی کار بیکاران بود عاقلش با کار بیکاران چه کار
الکَرِیمُ اِذَا وَعَدَ وَفَى:

جلال را چه دهی وعده خلاف آخر وفا به وعده بود عادت کرام ای دوست
(همان: گ ۷۳)

عشق و غم با هم قرینند:

جز مراد این دل غمگین ما هر چه می جویند در بازار هست
عاشقی و خوشدلی با هم که دید هر کجا عشق است غم ناچار هست
(همان: گ ۶۶)

ده خراب باج ندارد:

از دل ویران من تو را چه گشاید شاه خراج از ده خراب نبیند
(همان: گ ۳۸)

این مثل را شاعران دیگر هم به کار برده اند. «نظامی گوید: از ده ویران که ستاند خراج؟ مولوی گوید: برده ویران خراج و عشر نیست». (نقل از دهخدا، ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۰۵)

از دل برود هر آن که از دیده برفت (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۲۹):

با گل که به صد خون جگر در چمن آمد گفتم: «نگران تو به هر گوشه هزارند»
گل خنده زنان گفت که: «با این همه، باری گر باد به خاکم فکند باک ندارند
یاران که ز هم دور نگردند زمانی بسیار دود دور و ز هم یاد نیارند»
(همان: گ ۸۷)

بی طلب به مطلوب رسیدن

ناگه رسید بر سر مطلوب خود جلال مع علوم از روزگار روزی ما بی طلب رسید
(همان: گ ۶۱)

طالب دوست از طعن دشمن نمی هراسد:

دوست می خواهی مرنج از طعنهای دشمنان تا عزیز مصر شد یوسف بسی خواری کشید
(همان: گ ۴۴)

استخوان و گوشت برابر و هم ارز نیست:

بلبل جدا از گل فتاد بر خار از آن رو دل نهاد
ورنه نگوید هیچ کس کز گوشت خوشتر استخوان
(همان: گ ۵۰)

شیرگیری همی کند آهو:

چشم مستش دل دلیران برد شیرگیری همی کند آهو
(همان: گ ۱۴۱)

کس از سراب سیراب نگردهد:

دمی بی تو از جان نیاسودمی کجا تشنه سیراب گشت از سراب
(همان: گ ۵۵)

مرد حقیر کار محقر کند:

چیست دل و جان و دین تا به تو بخشم ولی
مرد چو باشد حقیر کار محقر کند
(همان: گ ۵۹)

معنای این تمثیل به مصرع دوم بیت زیر از نظامی شباهت دارد:

نهنگ آن به که با دریا ستیزد، کز آب خرد ماهی خرد خیزد
(نظامی ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۲۳)

این بیت را با جا به جا کردن دو مصراع سعدی هم آورده است.

جلال طیب گاه امثال عرب و یا جملات مشهور تازی را در شعر خود آورده است:

دلم به گیسوی مفتول یار شد مفتون کس این کند که دلم کرد؟ الجُنون فنون
میان حلقه شوریدگان بی سر و پا ز زلف تو سخنی رفت و الحدیث شُجون
(همان: گ ۱۳۷)

در دو بیت بالا دو مَثَل مشهور عربی آمده است:

الجُنون فُنون: سنایی گوید:

حالم این است و حرص و عشقم بیش راست گفتند کالجنون فنون
(سنایی، ۱۳۸۸: ۹۸۸)

و مولوی گوید:

پس فنون باشد جنون این شد مثل خاصه در زنجیر این میر اجل
(مولوی، ۱۳۷۰: دفتر اول، ب ۳۲۳)

الحديث شجون يا الحديث ذو شجون. یعنی سخن پیچ در پیچ و دارای اغراض گوناگون است: قال
الفرزدق:

فلا تأمننَّ الحربَ إنَّ استعارها كضبته اذ قال الحديث شجون
(دیوان، ج ۲، ص ۳۳۳ و لسان العرب ذیل شجن)

و علی قهستانی گوید:

تذکر نجداً و الحديث شجون و جن اشتیاقاً و الجنون فنون
(به نقل از دهخدا، ۱۳۷۰: ج ۱، ۲۴۱)

به ادب در طریق عشق درآی طُرقُ العشق کُلُّها آداب
(طیب شیرازی، خطی: گ ۵۶)

این مثل را جامی هم در سلسله الذهب آورده است:

ادبوا النفس ایها الاصحاب طُرقُ العشق کُلُّها آداب
(جامی، ۱۳۸۶: ۴۸)

مثالهای دیگر:

گل به چمن شکفته شد خار ز گل نهفته شد من حَسَن لقاءهُ کل قبیحه حسن
(طیب شیرازی، خطی: گ ۱۳۵)

هر کس که دید اشکم دجله ز چشمش افتاد البحر من یراه استخفف السواقی
(همان: گ ۱۵۹)

گفت بر آن سبزه هرگز نگذرم قیل «ایاکم و خضراء الدمن»
(همان: گ ۱۳۳)

«گاه ابیاتی دیده می‌شود که شاعر در آنها روایت یا داستانی مشهور و نام‌آشنای خواننده را به اختصار گنجانده است. این نوع تمثیل در دوره معاصر با عنوان اگزمپلوم (exemplum) یا داستان- مثال یا مثالک نام گرفته است». (رضایی، ۱۳۹۸: ۱۱۵) هرچند بهتر است که این نوع تمثیل در زیرمجموعه تمثیل روایی (گسترده) قرار گیرد اما از آنجا که کوتاه و فشرده است در اینجا می‌آوریم:
مَبَر گر یوسفی داری به صحرا که در صحرا فراوانند ذئبان
(طیب شیرازی، خطی: گ ۳۵)

۲. ۴. اسلوب معادله

«اسلوب معادله یکی از انواع تمثیل است که در آن شاعر در مصراع اول چیزی می‌گوید و در مصراع دوم چیزی دیگر. اما دو سوی این معادله از رهگذر شباهت قابل تبدیل به یکدیگرند» (شفیعی کدکنی ۱۳۷۵: ۸۴) اصطلاح اسلوب معادله را نخستین بار شفیعی کدکنی ساخت و به کاربرد. وی در کتاب شاعر آینه‌ها در این باره نوشته است: «اسلوب معادله را من به عمد ساختم برای استفاده در سبک شناسی؛ جمعی آن را تمثیل خوانده‌اند برای اینکه با ارسال المثل و یا هر نوع مصراع حکمت‌آمیزی که بتواند جای مثل را بگیرد اشتباه نشود. عمداً این اصطلاح را به کار می‌برم. منظور من از اسلوب معادله یک ساختار قوی است. تمام مواردی که به عنوان تمثیل آورده می‌شود، مصداق اسلوب معادله نیست. اسلوب معادله این است که دو مصراع کاملاً از نظر نحوی مستقل باشند، هیچ حرف ربط یا شرط یا چیز دیگری آنها را حتی معنماً (نه فقط به لحاظ نحوی) به هم مرتبط نکند، در صورتی که در اغلب مواردی که به عنوان تمثیل ذکر شده است این استقلال نحوی مورد بحث قرار نگرفته است» (شفیعی کدکنی ۱۳۷۶: ۶۳) در واقع هر اسلوب معادله‌ای تمثیل (ارسال مثل) است ولی هر تمثیلی اسلوب معادله محسوب نمی‌شود. از نشانه‌های اسلوب معادله این است که می‌توان میان دو مصراع نشانهٔ برابری (=) گذاشت و یا میان دو مصراع عبارت «همانطور که» آورد. البته مشروط به اینکه هر دو مصراع در عین استقلال یک مطلب مشترک را اذعان کنند و هر مصراع مصداق دیگری باشد.

«میان اسلوب معادله و ارسال مثل تفاوت ظریفی وجود دارد: در ارسال مثل چیزی در ابتدا و مصراع اول بیان می‌شود و در مصراع بعد ضرب المثلی که از پیش هم شهرت داشته برای رد یا اثبات یا علت

چیزی می آید اما در اسلوب معادله طرف دوم یا مصراع دوم را شاعر خلق می کند و از قبل مثل نبوده است و بعدها به دلیل شهرت آن ممکن است به مثل بدل شود بسیاری از اسلوب معادله ها هم هیچ گاه شهرت نیافتند» (رضایی، ۱۳۹۸: ۱۱۷)

رضایی مهمترین ویژگی های اسلوب معادله که ما را در تشخیص و تمایز آن از دیگر انواع تمثیل یاری می دهد، این گونه تلخیص کرده است:

«الف: اسلوب معادله شامل دو مصراع (تکبیت) است که کاملاً از نظر موضوعی از یکدیگر مستقل هستند.

ب: با وجود این استقلال، برای هر یک از عناصر معنایی مصراع اول در مصراع دوم معادل و مشابهی وجود دارد

ج: بعد از مصراع اول، علامت سوال وجود ندارد

د: مصراع دوم هم با حروف ربطی مثل: که، چون، زیرا که و ... آغاز نمی شود. بنابراین می توان جای دو مصراع را عوض کرد و هر مصراع را نمونه یا تأکیدی برای دیگری دانست. هـ: از مهم ترین نشانه های اسلوب معادله این است که می توان بین دو مصراع نشانه برابری (=) گذاشت و یا عبارت «همانطور که» را قرار داد.

ز: مصراع دوم در اسلوب معادله توسط شاعر خلق می شود و ضرب المثل نیست (اگر مصراع دوم ضرب المثل باشد بیت، ارسال المثل محسوب می شود)» (رضایی، ۱۳۹۸: ۱۱۷ - ۱۱۸)

۲. ۴. ۱. نمونه های اسلوب معادله در شعر جلال طیب

بی وصل دل آرام نگیرد گوه رطلب از جستن گوهر نشکاید

(طیب شیرازی، خطی: گ ۵۴)

همه مشخصاتی که درباره اسلوب معادله گفته شد در این بیت هست؛ یعنی دو مصراع استقلال دارند، برای هر یک از عناصر معنایی مصراع اول در مصراع دوم معادل و مشابهی وجود دارد، علامت سؤال در بیت نیست، با حروف ربط به هم مربوط نشده اند و می توان بین دو مصراع «همانطور که» گذاشت.

مثالهای دیگر:

هر کجا یاری بود اغیار هست هر کجا گل باشد آنجا خار هست

(همان: گ ۶۶)

نشست در بر اغیار یار و ما محروم به هم رسید گل و خار و بلبان مهجور
(همان: گ ۱۳۹)

از عذاب قافله بس ایمن است خانه‌نشین وز درفش سرما بس ایمن است سرو چمن
(همان: گ ۵۶)

بر طیب ار فکنی سایه نباشد عاری پادشه می‌فکند بر سر چاکر سایه
(همان: گ ۶۴)

هر که بلایی ندید از تو عطایی نیافت بارگه عافیت بر سر کوی بلاست
(همان: گ ۴۲)

به بوی گل نگریند بلبان از خار خیال عیش صبحی ز سر خم‌برد
(همان: گ ۴۴)

بر بر نداشتیم ز تخمی که کاشتیم تخمی که کاشتیم به صحرا گذاشتیم
(همان: گ ۵۷)

گل و لاله در بهاران ز شکوفه یاد نارند نه عجب اگر جوانان نکنند یاد پیران
(همان: گ ۳۷)

عمرم اگر شد چه شد درد به جای خود است کوه بود پایدار باد در آمد شدن
(همان: گ ۱۰۹)

۳. نتیجه‌گیری

تمثیل کوتاه یا توصیفی یا فشرده همان گونه که از نامش بر می‌آید تمثیلی است مختصر شده در یک یا چند جمله و مشتمل بر اقسامی چون تشبیه تمثیل، استعاره تمثیلیه، ارسال مثل و اسلوب معادله. شاعران صاحب سبک و نامور در ساختن مضامین نو از گونه‌های مختلف تمثیل کوتاه بسیار استفاده کرده‌اند. جلال طیب هم، چون دیگر شاعران علاوه بر استفاده از انواع تشبیه و استعاره از انواع تمثیل فشرده سود برده است. البته میزان توجه او به انواع تمثیل کوتاه به یک اندازه نیست. بسامد کاربرد ارسال المثل در اشعار او بیشتر از سایر انواع تمثیل کوتاه است و بیش از ۴۶٪ تمثیلهایش از این گونه است. بعد از آن اسلوب معادله است که حدود ۳۴٪ از انواع تمثیل را شامل می‌شود. استعاره تمثیلیه با ۱۲٪ و تمثیل تشبیه با ۸٪ کمترین نمود را در شعر جلال طیب شیرازی داشته‌اند.

منابع و مأخذ

۱. بهرامیان، مسیح (۱۳۹۰) «تأملی در دیوان جلال طیب شیرازی»، مجله درّ دری (فصلنامه تخصصی ادبیات غنایی، عرفانی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد)، شماره اول، ۳۹ - ۵۹.
۲. بهمنیار، احمد (۱۳۲۸) «مثل چیست» یغما، سال ۲ شماره ۲ و ۳، صص ۴۹ - ۵۲
۳. جرجانی، عبدالقادر (۱۳۶۶) سرّار البلاغه، ترجمه جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران
۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغتنامه، تهران: دانشگاه تهران
۵. ----- (۱۳۷۰) امثال و حکم، چ هفتم، تهران: امیر کبیر
۶. رضایی، احترام (۱۳۹۸)، «معرفی انواع تمثیل فشرده و جستجوی ردپای آن در شعر نخستین شاعران زبان فارسی» مجله علمی شعر پژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، سال یازدهم، شماره دوم (پیاپی ۴۰) صص ۱۰۱ - ۱۲۲
۷. رضایی جمکرانی، احمد (۱۳۹۴)، «تشبیه تمثیل و استعاره تمثیلی در کتب بلاغی»، ادب پژوهی، شماره ۳۴، صص ۳۳ - ۵۰
۸. سعدی شیرازی، مجموعه آثار، تصحیح محمدعلی فروغی، چ دوم، تهران: ققنوس
۹. سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۸۸)، دیوان، تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، چ هفتم، تهران: انتشارات سنایی
۱۰. شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵) صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگاه
۱۱. ----- (۱۳۷۶) شاعر آینه ها (بررسی سبک هنلی و شعر بیدل)، تهران: آگه
۱۲. شمیسا، سیروس (۱۳۸۶) بیان (ویرایش سوم) تهران: میترا
۱۳. صفاء، ذبیح الله (۱۳۷۰)، تاریخ ادبیات در ایران (جلد سوم، بخش دوم) چ هفتم، تهران: فردوس
۱۴. طیب شیرازی، جلال (۱۳۸۹)، دیوان همراه با رساله جواهر البحور، تصحیح نصرالله پورجوادی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی
۱۵. -----، دیوان [نسخه خطی] ترکیه: کتابخانه سلیمانیه، شماره اصلی ۱۲۲ و شماره فرعی ۸۹۱/۵ ، تاریخ کتابت؟
۱۶. الطرازی، نصرالله مبشر (۱۹۶۶م) فهرس المخطوطات الفارسیه، القسم الاول، قاهره: مطبعه دارالکتب
۱۷. فتوحی، محمود (۱۳۸۴) «تمثیل، ماهیت، اقسام، کارکرد» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران، سال ۱۲ و ۱۳ شماره ۴۷ - ۴۹ صص ۱۴۷ - ۱۷۱
۱۸. ----- (۱۳۸۵) بلاغت تصویر، تهران: سخن
۱۹. عنصرالمعالی کیکاوس بن وشمگیر (۱۳۸۷) قابوس نامه، به تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: علمی فرهنگی
۲۰. کزازی، میرجلال الدین (۱۳۶۸) بیان زیباشناسی سخن پارسی، تهران: مرکز

۲۱. مرتضایی، جواد (۱۳۹۰) «تمثیل تصویر یا صنعت بدیعی» پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، دوره جدید شماره ۴ (پیاپی ۱۲) صص ۲۹ - ۳۸
۲۲. نظامی گنجوی (۱۳۷۲) کلیات، مطابق نسخه تصحیح شده وحید دستگردی، تهران: نگاه
۲۳. نوروزی، جهانبخش (۱۳۸۴) «بحث و پژوهشی دیگر در سه مطلب بیانی (استعاره کنایی، تبعیه و تشبیه تمثیل) فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی، سال ۱ شماره ۳ صص ۱۱ - ۳۳
۲۴. وفایی، محمد افشین (۱۳۹۰) جعبه آینه (۵) نقد و معرفی کتاب های تازه»، مجله بخارا، سال چهاردهم (شماره ۸۳)، مهر و آبان، ۶۱۶ - ۶۳۸
۲۵. همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۴) معانی و بیان به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: هما
۲۶. ----- (۱۳۸۹) فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما

یادداشتها

- ۱ - جلال‌الدین احمد بن یوسف معروف به جلال طیب شیرازی، پزشکی مشهور و شاعری نامدار در قرن هشتم است که در شیراز می‌زیست. وی از شاعران مداح پادشاهان آل اینجو (غیاث‌الدین کیخسرو و شاه شیخ ابواسحاق) و آل مظفر (شاه محمود و شاه شجاع) است. خاندان او اصالتاً اهل خواف و مشهور به علم و ادب بودند که از آن دیار به شیراز مهاجرت کردند و جلال در شیراز زاده شد. پدر وی - یوسف بن الیاس - در تصوف و سیر و سلوک قدم می‌زد و عموی او - نجم‌الدین محمود بن الیاس - از بزرگترین طبیبان عصر خود بود و مدتی ریاست بیمارستان اتابکی شیراز را به عهده داشت. (طیب شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۳) و گویا جلال فن طبابت را از او آموخته و به وی ارادت خاص داشته است. (طیب شیرازی، مقدمه، ۱۳۸۰: ۲). وی از شاعرانی است که بر حافظ تأثیر گذاشته است (ر.ک: بهرامیان، ۱۳۹۰: ۳۹ - ۵۹). از زندگانی جلال اطلاعات کمی داریم. اشتراک لقب جلال‌الدین و تشابه اسمی او با جلال عضد و جلال‌الدین شاه خوافی باعث شده تا برخی از سروده‌های این سه شاعر به نام یکدیگر ضبط شود. (طیب شیرازی، مقدمه، ۱۳۸۹: ۴۴)
- هرچند دیوان جلال طیب به چاپ رسیده است اما به دلایلی چندان عالمانه و منقح تصحیح نشده و تصحیح مجدد آن لازم می‌نمود. چندی پیش نسخه نویافته‌ای از جلال طیب معرفی شد که در کتابخانه سلیمانیه ترکیه موجود است. ما با تلاش فراوان آن نسخه را تهیه کردیم و آن را با نسخه چاپی مقابله نمودیم و دریافتیم که نسخه معتبر و قابل‌اعتنایی است و می‌تواند حتی به عنوان نسخه اساس تصحیح مجدد دیوان جلال طیب قرار گیرد. پس ما بدین مهم دست یازیدیم و اکنون براساس تصحیح مجدد دیوان جلال طیب، انواع تمثیل کوتاه را در اشعار این شاعر جست و جو می‌کنیم. (ر.ک: تصحیح غزلیات جلال طیب شیرازی (۱۳۹۹) پایان‌نامه، نگارش شیرین کبیری با راهنمایی دکتر مهرداد چترایی و مشاوره دکتر مریم محمودی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان)
- ۱ - احمد رضایی جمکرانی در مقاله «تشبیه تمثیل و استعاره تمثیلیه در کتب بلاغی» این تفاوت و گاه تناقض آرای پیشینیان و امروزیان را بازنموده است. (رضایی جمکرانی، ۱۳۹۴: صص ۳۳ - ۵۰)

۱- برای اطلاع بیشتر ر.ک: رضایی، احترام (۱۳۹۸)، «معرفی انواع تمثیل فشرده و جستجوی ردپای آن در شعر نخستین شاعران زبان فارسی» ص ۱۰۲

۱- برای مثال سیروس شمیسا در کتاب بیان خود به اسلوب معادله نپرداخته و حدود نیمی از مثالهایی که در بخش ارسال المثل آورده اسلوب معادله است و یا جلال الدین کزازی در بحث تشبیه تمثیل، گویا اعتنایی به عقلی بودن مشبه ندارد و همه مثالهایی که آورده مشبه آن محسوس است. (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۰۷ و کزازی: ۱۳۶۸: ۵۷)

۱- جلال طیب یک مثنوی عاشقانه دارد که سرگذشت دو دلداه را حکایت می کند. نام این مثنوی «گل و نروز» است که از نام شخصیت های اصلی این افسانه گرفته شده است. به احتمال قوی این داستان ساخته ذهن سراینده است چنانکه جلال در ضمن این منظومه می گوید:

به پای فکر در عالم بگشتم ز حال خویشتن رمزی نوشتم

علی محدث، مصحح این منظومه، گل و نروز جلال طیب را از جمله داستاهای تمثیلی به شمار می آورد؛ وی در مقدمه منظومه پس از ذکر بیت بالا می نویسد: «شاعر صریحاً اظهار داشته که این منظومه رمزی از زندگی خود او و ساخته اندیشه اوست» (طیب شیرازی، ۱۳۸۰: ۴) محدث در جایی دیگر می نویسد: «پیام گل و نروز جلال طیب چیست؟ آیا او بر رسوم کهنه و پوسیده و دست و پاگیر زمان شوریده است؟ "نروز" در کتاب جلال به دنبال اندیشه یا خواب و خیال یا خواسته دل خود دور جهان به راه می افتد و سرانجام با زنی ازدواج می کند که خود، او را پسندیده، برگزیده و دوست داشته است. در این راه پدر و همه اطرافیان مخالفت ورزیده اند اما او برای گزینش همسر خود (هدف خود) و با وجود مخالفت زمین و زمان راه خود را می رود و سرانجام در کنار کعبه به وصال محبوب می رسد. یعنی در نهایت صد درصد موفق بوده است و حتی اشارات غیبی مددکار اوست. "گل" نیز برخلاف اراده اطرافیان و سرنوشتی که ایشان برای او رقم زده و او را به ازدواج شاه چین درآورده اند، زنجیرهای پیرامون خود را می گسلد، حصار گرداگرد خود را می شکند و می گریزد و سرانجام مرد خویش را برمی گزیند... پیام گل و نروز آزادی است؛ دریدن بندها و رسوم، آزاد اندیشیدن و آزاد زیستن» (همان، ۱۳۸۰: ۱۰-۱۱) از آنجا که موضوع این مقاله بررسی گونه های تمثیل کوتاه در شعر جلال طیب است به همین مختصر اکتفا می کنیم و اثبات یا رد آن را به مجال دیگر موکول می کنیم.



Original Paper **Investigating the types of compact allegories in the poems of Jalal Tabib Shirazi**

Shirin Kabiri¹, Mehrdad Chatraei², Maryam Mahmoudi³

Abstract

The existence of distinguished imagery in poems of great poets represents their power in fantasizing and allegory is one of the illustrative elements of poetry and Imagery. Allegory is one of the most important topics which has been talked about a lot both in primitive and contemporary rhetoric. In ancient books, it has been considered as a compound simile and allegory metaphor, while in modern times, it is a subset of the subject of image and imagination. In terms of the structure of Persian allegories, It consists of two parts: descriptive and narrative allegory; narrative allegory includes stories of human and animal, symbolic stories, fable, parable, etc. Descriptive allegory usually does not go beyond one or more sentences, and its most important types are allegorical metaphor, allegorical simile, proverb, and Oslub-e-Moadeleh (techniques of sameness). In this article, we are attempting to study and search for the types of descriptive allegory and its examples in the poetry of Jalal Tabib Shirazi. He was a physician and a poet who lived in between Saadi's and Hafez's lifetime and variety of short allegories are prominent in his poetry. This research has been done through the library method and case study. Over the years, several articles have been published on allegory and its structure and types in Persian literature, but there has been no article about the types of short allegory in Jalal Tabib's poems.

Keywords: Compact allegory, allegorical simile, allegorical metaphor, proverb, Oslub-e-Moadeleh, Jalal Tabib Shirazi's Divan.

1- PhD student of Persian Language and Literature, Islamic Azad University – Dehaghan Branch, Iran

2- Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University – Najaf Abad Branch, Iran
(Corresponding author)

3- Associate Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University – Dehaghan Branch, Iran

Please cite this article as: Kabiri, Shirin., Chatraei, Mehrdad., Mahmoudi, Maryam., (2020) Investigating the types of compact allegories in the poems of Jalal Tabib Shirazi. *Journal of Research Allegory in Persian Language and Literature, Islamic Azad University- Bushehr Branch*, , 46(4): 43-63.